

١. مقدمه

رفتار اخلاقی ما آدمیان با حیوانات، امروزه از موضوعات بسیار جدی در اخلاق کاربردی است و زیر عنوان «اخلاق حیوانات» یا «حقوق حیوانات» از آن یاد می‌شود.^۱

اهمیت موضوع از آن جا آشکار می‌شود که تعداد حیواناتی که در آزمایش‌های پزشکی، صنعت پوست، سرگرمی و مانند آنها رنج می‌کشند، بسیار است. بنابراین تخمین‌ها فقط در زمینه پژوهش‌های علمی سالانه بالغ بر صد میلیون حیوان در شرایط آزمایشگاهی رنج می‌کشند و غالباً کشته می‌شوند.^۲

در نیمه دوم قرن بیستم فیلسوفانی همچون پیترو سینگر^۳ و تام ریگان با نوشتن کتاب‌ها و مقالاتی درباره اخلاق و حقوق حیوانات، موجی از توجه به این حوزه را در غرب پدید آوردند. سینگر از موضوعی فایده‌باورانه به دفاع از حیوانات پرداخت. کتاب او (Animal Liberation) اکنون از کتاب‌های کلاسیک این حوزه محسوب می‌شود و تام ریگان با تألیف کتاب‌هایی از جمله (The Case For Animal Rights) با تأکید بر حقوق حیوانات تأثیری عمیق در این حوزه از اخلاق نهاد.

ادیان - و به خصوص ادیان ابراهیمی - از توجه به حیوانات غافل نبوده‌اند و متألّهان و دینداران نیز به پیروی از آموزه‌های ادیان خود، در این خصوص به نظریه‌پردازی و تبیین اخلاق یا حقوق حیوانات پرداخته‌اند. در این میان فیلسوف مسیحی اندرو لینزی با طرح نظریه حقوق الهی^۴ معتقد است خداوند به عنوان خالق تمام موجودات دارای حقوقی است. او این حقوق خود را به حیوانات اعطا می‌کند تا با آنها با احترام رفتار شود؛ بنابراین منشأ حقوق حیوانات اعطای این حق از سوی خداوند متعال است.^۵

1. Applied Ethics.

۲. میان تعبیر اخلاق حیوانات و حقوق حیوانات تفاوتی هست. از آن جا که برخی از فیلسوفان اخلاق برای حیوانات حقی قائل نیستند، مباحث خود در حمایت از حیوانات را زیر عنوان «اخلاق حیوانات» طرح می‌کنند. از فیلسوفان برجسته این حوزه که به حقوق حیوانات باور دارند، تام ریگان (Tom Regan) و اندرو لینزی (Andrew Linzey) هستند و از فیلسوفانی اخلاقی که حقوقی برای حیوانات قائل نیستند، می‌توان به ایمانوئل کانت و کارل کوهن (Carl Cohen) اشاره کرد.

۳. برای آگاهی بیشتر، از جمله رک به: (Marc Bekoff & Carron A. Meaney (eds) - *Encyclopedia Of Animal Rights And Animal Welfare*, Greenwood Press, 1998, 215.

4. Peter Singer.

5. Theos - Rights.

6. Andrew Liney, *Christianity And The Rights Of Animals* Crossroad, New York, 1987, P. 68 - 72.

نقد و بررسی کتاب

نگاه به کتاب «حقوق الحيوان في الاسلام»

استاديار گروه فلسفه
دانشگاه زنجان
محسن جاهد

چکیده: در جهان اسلام، متفکران مسلمان به پیروی از آموزه‌های قرآنی، مباحثی غنی درباره حیوانات مطرح کرده‌اند و نه تنها از رفتار اخلاقی با حیوانات که از حقوق آنها نیز سخن گفته‌اند. علیرغم کوشش‌هایی که متفکران مسلمان در خصوص حیوانات و شأن اخلاقی آن‌ها کرده‌اند، از آنجا که این کوشش‌ها به صورت پراکنده و در خلال کتب فقهی، روایی و ... در حد یک بخش یا چند عبارت بوده است، ضروری می‌نمود که کتابی مستقل در این باره تدوین شود. کتاب حقوق الحيوان في الاسلام تألیف استاد جعفر مرتضی عاملی به این مهم پرداخته است. نویسنده در مقاله حاضر سعی در معرفی و نقد کتاب مذکور دارد. باین هدف، به بیان ساختار و ارائه گزارش اجمالی از محتوای کتاب پرداخته است.

واژگان کلیدی: حقوق الحيوان في الاسلام، جعفر مرتضی عاملی، معرفی و نقد کتاب

مفسران نیز ذیل آیاتی از قرآن که از حیوانات سخن رفته است، شأن وجودی حیوانات را کاویده‌اند و بعضاً جایگاه والایی برای آنها قائل شده‌اند. علامه طباطبایی ذیل آیه ۳۸ انعام، دیدگاهی بدیع درباره حیوانات ذکر می‌کند و بر این باور است که حیوانات از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

۱. باورهای شخصی دارند؛ بدین معنا که افراد یک گونه از حیوان، باورهای متفاوتی دارند.
۲. حیوانات دارای شعورند و رفتارهای ارادی و اخلاقی دارند و این رفتارهای ارادی و اخلاقی از اعتقادات و باورهای شخصی آنها نشأت می‌گیرد.
۳. آنها محشور می‌شوند و باید در پیشگاه خداوند به حسابشان رسیدگی شود.^۹

چنانچه دیدگاه علامه طباطبایی پذیرفته شود، باید حیوانات را «شخص» بدانیم و در نتیجه جایگاه اخلاقی حیوانات بسیار خواهد بود.

متکلمان مسلمان نیز در بحث از عدل الهی، از رنجی که حیوانات می‌برند سخن گفته‌اند و حیوانات را به سبب تحمل این رنج‌ها، مستحق «عوض» دانسته‌اند.^{۱۰}

با وجود کوشش‌هایی که متفکران مسلمان در خصوص حیوانات و شأن اخلاقی آنها کرده‌اند، از آن جا که این کوشش‌ها به صورت پراکنده و در خلال کتب فقهی، روایی و... در حد یک بخش یا چند عبارت بوده است، ضروری می‌نمود کتابی مستقل در این باره تدوین شود. کتاب حقوق الحيوان في الاسلام، تألیف استاد جعفر مرتضی عاملی به این مهم پرداخته است.

۲. ساختار و گزارش اجمالی کتاب

مؤلف، کتاب را در دو بخش تنظیم کرده است: ۱. الفصل الاول: اخلاق الحيوان؛ ۲. الفصل الثاني: الرفق بالحيوان، احکام و ضوابط. وی در فصل اول، این مباحث را طرح کرده است: للحيوانات اخلاق، اخلاق شیطانیه، اخلاق رضیه، تفاوت درجاتها فی الشعور و الادراك، طاعات و عبادات الحيوانات. مؤلف ذیل عنوان «للحيوانات اخلاق» می‌نویسد: هر کس حیوانات را تحت نظر بگیرد، درمی‌یابد که آنها

۹. سید محمد حسین طباطبایی؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی؛ تهران: ج ۷، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۱۰۳ - ۱۱۸.

10. Person.

۱۱. از جمله رک به:

ابوالحسن، عبد الجبار؛ المغنی فی ابواب التوحید والعدل؛ حقه ابوالعلا عینی؛ لامکان، مطبعة دارالکتب، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م، مجلد اللطف، ص ۴۵۹.

رویگرد سنتی در غرب اساساً حقوقی برای حیوانات قائل نیست و حتی گاه شأن اخلاقی مستقلی برای آنها در نظر نمی‌گیرد. از نظر دکارت حیوانات روح ندارند؛ لذا درد و لذت را درک نمی‌کنند و صرفاً ماشین‌اند. آکویناس معتقد بود نیکوکاری شامل حال آفریده‌های فاقد عقل نمی‌شود؛ لذا حیوانات از دایره نیکوکاری آدمیان خارج می‌شوند. او و نیز کانت رفتار ما را با حیوانات را برای آن تجویز می‌کردند که چنانچه آدمی در رفتارش با حیوانات خشونت بورزد، ممکن است این رفتار خشن را نسبت به انسان‌ها نیز اعمال کند.^۷

در جهان اسلام، متفکران مسلمان - مفسران، فقیهان و متکلمان - به پیروی از آموزه‌های قرآنی، مباحثی غنی درباره حیوانات به میدان آورده‌اند و نه تنها از رفتار اخلاقی با حیوانات که از حقوق آنها سخن گفته‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان زبان متفکران مسلمان را در این خصوص حقوق محوردانست. عزالدین عبد العزیز بن عبد السلام در کتاب القواعد الکبری حقوقی این چنین برای حیوانات برمی‌شمرد:

۱. هر چند حیوان دچار بیماری طولانی‌ای شده باشد که نتوان از آن استفاده کرد، مالک نفقه آن را به اندازه حیوانات نظیرش بدهد.

۲. باری بیش از طاقت حیوان بر آن ننهد.

۳. حیوان را در جایی نگه دارد که حیوانات دیگر - اعم از همجنس و غیر همجنس - آن را آزار ندهند.

۴. بچه حیوان را در مقابل چشم مادری پدرش ذبح نکند.
۵. هنگامی که می‌خواهد حیوان را ذبح کند، درست این کار را انجام دهد و رنج حیوان را به حداقل برساند.
۶. استخوان حیوان را نشکند یا پوست آن را پاره نکند تا حیوان سرد شود و روح از بدنش خارج شود.
۷. کنه از حیوان باز گیرد.
۸. اقامتگاه حیوان را نیکو دارد.
۹. در فصل جفت‌گیری، نروماده حیوانات را در کنار هم قرار دهد.^۸

مرجع توصیه‌های فوق را می‌توان در منابع روایی - از جمله کتاب مورد بحث - یافت.

7. Louis P. Pojman, *Life And Death*, Wadsworth Publishing Company, 2000, Second Edition, P. 153 - 154.

۸. عزالدین عبد العزیز بن عبد السلام؛ القواعد الکبری الموسوم بقواعد الاحکام فی اصلاح الانام؛ تحقیق نزه کمال حماد و عثمان جمعه ضمیریه؛ الطبعة الرابعة (دمشق: دارالقلم، ۱۴۳۱ ق/ ۲۰۱۰ م، ص ۲۳۸.

از نظر مؤلف این آیه نشان می دهد:

۱. مورچه خطری را که متوجه اوست، درک می کند.
۲. می داند لشکری در منطقه زندگی او وارد شده است.
۳. نام فرمانده لشکر را می داند.
۴. می داند لشکر و فرمانده آن از وجود آنها آگاهی ندارند و ممکن است آنها را لگدمال کنند.
۵. مورچه برای پرهیز از خطر مذکور به هموعان خود دستوراتی مناسب می دهد تا از آن خطر دوری کنند.^{۱۶}

مؤلف در ادامه، برای اثبات علم و ادراک در حیوانات به آیات ۲۰ - ۲۸ نمل استناد می کند. این آیات به داستان غیبت هدهد از درگاه سلیمان و خبرهایی که از سبأ برای سلیمان

می آورد، می پردازد:

- «و جویای [حال] پرنندگان شد و گفت: مرا چه شده است که هدهد را نمی بینم؟»
- «یا شاید از غایبان است؟ قطعاً او را به غذایی سخت عذاب می کنم یا سرش را!»
- می برم مگر آنکه دلیلی روشن برای من بیاورد.

خلق و خوی هایی دارند و این خلق و خوی ها متفاوتند و این اختلاف در خلق موجب می شود رفتار آنها متفاوت باشد. روایات، این مدعا را تأیید می کنند؛ از جمله امام رضا علیه السلام در حدیثی فرموده اند: «فی الدیک الابيض خمس خصال من خصال الانبياء: معرفته باوقات الصلاة والغیره والسخاء والشجاعه وكثرة الطرقة».^{۱۲}

روش مؤلف در کل کتاب بیشتر نقلی است؛ هر چند درباره ای موارد از تأملات عقلی نیز بهره گرفته است.

وی ذیل عنوان «اخلاق شیطانیه» با استناد به روایاتی چند، برخی حیوانات را دارای طبع شیطانی یا شیطان می داند؛ از جمله این روایات، روایاتی است که شتری را که عایشه در جنگ جمل بر آن

سوار بوده است، شیطان دانسته اند. ذیل عنوان

رویکرد سنتی در غرب اساساً

حقوقی برای حیوانات قائل

نیست و حتی گاه شأن اخلاقی

مستقلی برای آنها در نظر

نمی گیرد.

«اخلاق رضیه» نیز برای حیواناتی که در اختیار ائمه علیهم السلام بوده اند، آداب و خلق و خوی هایی ویژه و یگانه قائل می شود و جایگاه والایی از نظر اخلاقی به آنها نسبت می دهد.

مؤلف ذیل عنوان «تفاوت درجاتها فی الشعور و الادراک» می نویسد: «حیوانات شعور و ادراکشان دارای درجات گوناگونی است؛ هر چند اموری وجود دارند که همه حیوانات در آن ها مشترکند».

محصل روایات مذکور در کتاب، آن است که حیوانات دارای درجه ای از فهم هستند؛ از جمله آن که به خداوند و مرگ، علم دارند؛ هر چند معرفت آنها به درجه معرفت آدمیان نمی رسد.^{۱۳} مؤلف سپس با استناد به آیاتی از قرآن کریم نشان می دهد حیوانات بسیاری از حقایق را می دانند؛ از جمله این آیات، آیه «وإذا الوحوش حشرت»^{۱۴} است. مؤلف معتقد است این آیه در حشر حیوانات صراحت دارد. از سویی در روایات نیز تصریح شده است هنگامی که حیوانات محشور می شوند، خداوند حیوان شاخداری را که به بی شاخی، به ظلم شاخی زده است، قصاص خواهد کرد. این حقایق نشان می دهند حیوانات باید علم و ادراک داشته باشند؛ چراکه حشر و قصاص تنها در مورد گناهکاری که بهره ای از علم و ادراک دارد، امری پسندیده است.^{۱۵}

از دیگر آیاتی که مؤلف برای اثبات درجه ای از علم و ادراک برای حیوانات بدان ها استناد می کند، آیه ۱۹ نمل است: «...قالت نملة یا ایها النملة ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان و جنوده وهم لا یشعرون».

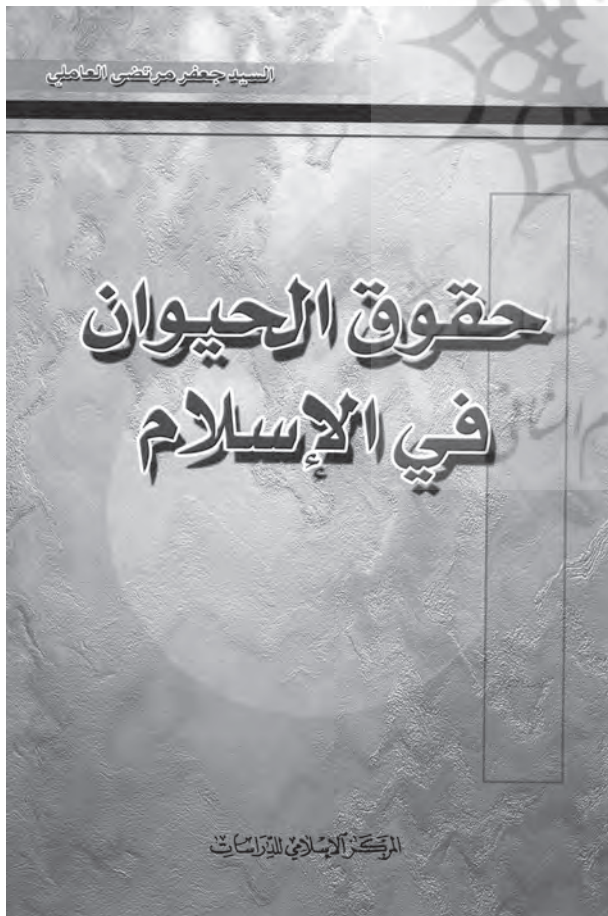
۱۲. جعفر مرتضی العالمی؛ حقوق الحيوان في الاسلام؛ ص ۹.

۱۳. همان، ص ۱۳-۱۴.

۱۴. تکوین: ۵.

۱۵. همان.

۱۶. همان، ص ۱۷.



پس دیری نپایید که [هدهد آمد و]:

«گفت: از چیزی آگاهی یافتم که از آن آگاهی نیافته‌ای و برای توا سبأ گزاشی»؛

«درست آورده‌ام. من آنجا زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می‌کرد و از هر چیزی»؛

«به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت. او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا»؛

«برای خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از»؛

«راه [راست] باز داشته بود؛ در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند. [آری شیطان]»؛

«چنین کرده بود [تا برای خدایی که نهان را در آسمان‌ها و زمین بیرون می‌آورد و]»؛

«آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌نمایید، می‌داند، سجده نکنند. خدای»؛

«یکتا که هیچ خدایی جز او نیست، پروردگار عرش بزرگ است. گفت: خواهیم دید»؛

«آیا راست گفته‌ای یا از دروغگویان بوده‌ای؟ این نامه مرا ببر و به سوی آنها»؛

«بیفکن، آنگاه از ایشان روی برتاب، پس بین چه پاسخ می‌دهند».^{۱۷}

از نظر مؤلف آیات فوق، گواه مطالب زیرند:

۱. پزندگان تکلیف دارند.
۲. آنها راست و دروغ می‌گویند.
۳. اطاعت و سرکشی می‌کنند.
۴. استدلال و احتجاج می‌کنند.
۵. انواع عبادت‌ها را می‌شناسند.
۶. درست و نادرست این عبادت‌ها را می‌دانند.
۷. میان پادشاه و عامه مردم تمایز می‌نهند.
۸. مذکر و مؤنث را می‌شناسند.
۹. عظمت و بزرگی آنچه را کشف کرده‌اند، می‌دانند؛ برای مثال تخت و بزرگی آن را تشخیص می‌دهند.
۱۰. خورشید را می‌شناسند و می‌دانند مردم سبأ آن را عبادت می‌کنند.^{۱۸}

۱۷. ترجمه آیات از استاد محمد مهدی فولادوند است.

۱۸. همان، ص ۱۵-۱۷.

مصنف در ادامه، ذیل عنوان «طاعات و عبادات الحيوانات» با استناد به آیه شریفه «و ان من شیء الا یسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبیحهم، انه کان حلیما غفورا»^{۱۹} و نیز با استناد به چندین روایت، عبادت‌ها و طاعاتی را برای حیوانات قائل می‌شود و سپس روایاتی را ذکر می‌کند که نشان می‌دهند حیوانات به درگاه

خداوند دعا می‌کنند و از محضرش چیزهایی می‌طلبند؛ از جمله روایتی است از امام کاظم علیه السلام: «ما من دابة یرید صاحبها ان یرکبها الا قالت: اللهم اجعلها بی رحیما».^{۲۰}

نکته مهم در این کتاب، آن است که مؤلف گاه برای سند یک روایت بیش از بیست منبع معتبر شیعی و سنی ذکر می‌کند.

استاد جعفر مرتضی در فصل دوم (الرفق بالحيوان: احکام و ضوابط)، در ۱۱۳ بند، حقوقی را برای حیوانات ذکر می‌کند. وی تصریح می‌کند وظایفی که در این ۱۱۳ بند آورده است، تنها بخشی از وظایف ما نسبت به حیوانات است و وی نتوانسته است تمام حقوقی را که در روایات برای آنها ذکر شده، گردآوری کند.^{۲۱}

پاره‌ای از توصیه‌ها در خصوص نحوه سواری و حمل بار توسط چارپایان است. از جمله این توصیه‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. هنگامی که بر حیوان باری نهاده‌اند، آن را متوقف نگه ندارند.^{۲۲}
۲. باری بیش از توان حیوان بر آن ننهند.^{۲۳}
۳. چارپا را بیش از توانش مجبور به راهپیمایی نکنند.^{۲۴}
۴. متصدی جمع‌آوری ذکات، هنگامی که چارپایانی به همراه دارد، تنها بریک حیوان سوار نشود و سواری خود را میان همه چارپایان توزیع

متکلمان در بحث از عدل الاهی، از رنجی که حیوانات می‌برند سخن گفته‌اند و حیوانات را به سبب تحمل این رنج‌ها، مستحق «عوض» دانسته‌اند.

مُصل روایات مذکور در

کتاب، آن است که حیوانات

دارای درجه‌ای از فهم

هستند؛ از جمله آن که به

خداوند و مرگ، علم دارند؛

هر چند معرفت آنها به درجه

معرفت آدمیان نمی‌رسد.

نماید.^{۲۵}

۵. سوار حیوان نشود، مگر زمانی که حیوان صحیح و سالم

باشد.^{۲۶}

۱۹. اسراء: ۴۴.

۲۰. همان، ص ۲۰.

۲۱. همان، صص ۲۰ و ۹۰.

۲۲. همان، ص ۲۳.

۲۳. همان، ص ۲۴.

۲۴. همان، ص ۲۵. این بند می‌تواند در مورد حیواناتی که به چار برده می‌شوند نیز مصداق داشته باشد و اختصاصی به سواری و باربری ندارد.

۲۵. همان، ص ۴۲.

۲۶. همان، ص ۵۰.

۶. در راه‌ها و بازارها بر حیوان ننشینند و به سخن گفتن با یکدیگر مشغول شوند.^{۲۷}

۷. بارهایی که بر حیوان می‌نهند، متعادل باشند و مایل به یک طرف نباشند.^{۲۸}

۸. سه نفر بر یک حیوان سوار نشوند.^{۲۹}

۹. بدون آنکه نیازی باشد، سواری را طولانی نکنند.^{۳۰}

پاره‌ای از توصیه‌ها درباره‌ی محل زندگی حیوانات، آب و غذا و نظافت آنهاست؛ از جمله:

۱. هنگامی که به منزل رسید، اولین کاری که انجام دهد آن باشد که آب و علوفه حیوان را بدهد.^{۳۱}

۲. آغل آنها را نظافت کند.^{۳۲}

۳. آب بینی حیوان را تمیز نماید.^{۳۳}

۴. هر موجود زنده‌ای را - هنگامی که

تشنه است - سیراب کند هر چند از حیوانات زهدار^{۳۴} باشد یا از حیواناتی باشد که خوردن گوشتشان حلال نیست.^{۳۵}

۵. حیوانات را نبندد تا از گرسنگی و تشنگی بمیرند.^{۳۶}

۶. حیوان را گرسنه نگه ندارد.^{۳۷}

۷. هنگامی که غذا می‌خورد، چنانچه حیوانی نگاه می‌کند، از غذای خود به حیوان بدهد.^{۳۸}

گروهی دیگر از توصیه‌ها (روایات) درباره‌ی رفیق با حیوانات، ورنج و آزار نرساندن به آنهاست؛ از جمله:

۱. هیچ کس نباید موجود زنده‌ای را در جایی ببندد و با تیران را هدف قرار دهد تا کشته شود.^{۳۹}

۲. حیوان را نباید مثله کرد.^{۴۰}

۳. پر پرند را در حالی که زنده است، نباید کند.^{۴۱}

۲۷. همان.

۲۸. همان، ص ۵۸.

۲۹. همان، ص ۶۱.

۳۰. همان، ص ۶۸.

۳۱. همان، ص ۲۶.

۳۲. همان، ص ۲۷.

۳۳. همان.

۳۴. در متن "هوام" است که مفرد آن "هامه" است و هاهمه: هر جانور زهدار، مانند مار را گفته‌اند. واژه ی هوام به معنای حشراتی که زهر کشنده نداشته باشند نیز آمده است.

۳۵. همان، ص ۲۸.

۳۶. همان، ص ۳۰.

۳۷. همان، ص ۵۵.

۳۸. همان، ص ۷۲.

۳۹. همان، ص ۳۳ و ص ۳۶.

۴۰. همان، ص ۳۷.

۴۱. همان، ص ۳۹.

۴. حیوان را نباید سوزاند.^{۴۲}

۵. کسی که حیوان را می‌دوشد، باید ناخن‌های خود را کوتاه

کند تا پستان حیوان را نیازارد.^{۴۳}

۶. به صورت حیوان ضربه نزند.^{۴۴}

۷. چکاوک را به کودکان نهد تا با آن بازی کنند.^{۴۵}

۸. هنگامی که حیوان گریخت، آن را نزند.^{۴۶}

۹. حیوان را وادار نکند ثابت و بی حرکت بماند.^{۴۷}

دسته‌ای دیگر از توصیه‌ها در خصوص ذبح و

چگونگی انجام آن است. هر چند اسلام ذبح و استفاده از گوشت و دیگر فرآورده‌های حاصل از حیوانات را مجاز دانسته است، اما ذبح باید با کمترین درد ورنج همراه باشد؛ از جمله:

۱. چاقورا از حیوان مخفی کند.^{۴۸}

۲. در حالی که چاقورا برای ذبح تیز می‌کند، حیوان

شاهد آن نباشد.^{۴۹}

۳. عمل ذبح را با سرعت انجام دهد.^{۵۰}

۴. سر حیوان ذبح شده را جدا نکند.^{۵۱}

۵. پیش از خروج روح، پوست حیوان را سلاخی نکند.^{۵۲}

۶. گوسفند را در برابر گوسفند و شتر را در برابر شتر، در حالی که

نظاره‌گرند، ذبح نکند.^{۵۳}

۷. از چاقوری تیز استفاده کند.^{۵۴}

همه‌ی توصیه‌های مذکور در کتاب، مستند به روایات فراوان است؛ بنابراین کتاب حقوق الحيوان في الاسلام را باید کتابی روایی و نقلی محسوب کرد. هر چند مؤلف در فصل اول درباره‌ی جایگاه حیوانات و علم و ادراک آنها از آیات و روایات استنباط‌های عقلی کرد؛ اما در فصل دوم از نظریه‌پردازی در خصوص اخلاق یا حقوق حیوانات پرهیز نموده، صرفاً به نقل محتوای احادیث و ذکر متن روایت (غالباً یک حدیث) اکتفا کرده است،^{۵۵} و حتی دسته‌بندی کاملاً منظمی

نکته مهم در این کتاب، آن است که مؤلف گاه برای سند یک روایت بیش از بیست منبع معتبر شیعی و سنی ذکر می‌کند.

۳.

۴.

۵.

۶.

۵۳.

۷.

۴۲. همان، ص ۴۰.

۴۳. همان.

۴۴. همان، ص ۴۷.

۴۵. همان، ص ۵۹. این ویژگی تنها برای این پرند (قنبره = چکاوک) ذکر شده است.

۴۶. همان، ص ۶۵.

۴۷. همان، ص ۷۵. این در حالی است که درباره‌ی اذامداری‌ها برای اینکه گوشت حیوان ترد و مشتری‌پسند شود، حیوان را آنچنان محدود می‌کنند که حتی نمی‌تواند بچرخد.

۴۸. همان، ص ۷۶.

۴۹. همان، ص ۷۷.

۵۰. همان.

۵۱. همان، ص ۷۸.

۵۲. همان.

۵۳. همان، ص ۸۱.

۵۴. همان، ص ۸۴.

۵۵. مؤلف در پاورقی منابع بسیاری برای هر مورد ذکر کرده است.

از آنها ارائه نداده است؛ با وجود این، جای چنین کتابی در اخلاق اسلامی خالی می نمود که مؤلف با اشراف به متون اسلامی و سعی وافر، این خلأ را پر نموده است.

منابع

* قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱. طباطبایی، محمد حسین؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی؛ ج ۷، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.

۲. عبد الجبار، ابوالحسن؛ المغنی فی ابواب التوحید والعدل؛ حَقَّقَهُ ابو العلاء عقیفی؛ الامکان، مطبوعه دارالکتب، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م، مجلد اللطف.

۳. عزالدین عبدالعزیز بن عبدالسلام؛ القواعد الکبری الموسوم بقواعد الاحکام فی اصلاح الانام؛ تحقیق نزه کمال حماد و عثمان جمعه ضمیریه؛ ج ۱، دمشق: دارالعلم، ۱۴۳۱ ق / ۲۰۱۰ م.

۴. مرتضی العاملی، جعفر؛ حقوق الحيوان في الاسلام؛ بیروت: مرکز الاسلامی للدراسات، ۱۴۲۵ ق / ۲۰۰۴.

5. Andrew Linzey; *Christianity And The Rights Of Animals*; Crossroad; New york , 1987.

6. Louis U P. Pojman; *Life And Death*; Wadsworth Publishing Company , 2000. Second edition.

7. Marc Bekoff & Carron A. Meaney (eds); *Encyclopedia Of Animal Rights And Animal Welfare*; Greenwood Press , 1998.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی